

قانون، حاکمیت، عدالت و مسوولیت در اداره حامد کرزی

عملکرد حاکمیت کرزی در آئینه ی ارقام و حقایق

بخش اول

استاد (صبح)

بی عدالتی، بی قانونی، بی نظمی، زور خواهی تنظیمی، جنگ، کشتار، ویرانی، نا امنی، آوارگی، فقر، مرض، فساد اداری، بنیادگرایی افراطی، تبعیضات قومی و مذهبی و زبانی، مواد مخدر، زور گویی، جنگ سالاری، بی کفایتی، مصلحت گرایی، تاراجهای کلان پولی، چنگل بخشی قدرت و اداره دولتی، محروم نگهداشتن ملیتهای مختلف، چپاول و غصب املاک دولتی و شخصی، تشنج، (و زورگویی، قانون شکنی و ماشه کشی در خیمه لویه جرگه پس از تشنج در انتخابات) و دهها مشکل دیگر، سالهاست که دامن جامعه را فراگرفته و زندگی آرام و خوش را از مردم کشور سلب نموده و همه نتیجه حاکمیت ننگین کرزی است.

نقض حقوق بشر طی سالیان دراز در کشور رواج داشته و این پیرویه یلید در حاکمیت امین ادامه پیدا نموده و در شاخ جنگی تنظیم ها سیر صعودی به خود گرفت، با موجودیت اردوی شوروی سابق و پس از آن در دوران نبردهای جنگ سالاران، امارت طالبان و در سالهای اخیر با هجوم نظامیان خارجی تداوم یافت. اما نقض حقوق بشر در شرایط فعلی و در مقطعی که کشورهای مدعی برقراری امنیت و تثبیت کننده نظام دموکراسی، افغانستان را اشغال کرده اند، موضوعی است که بیش از همه مورد توجه و تأمل مردم و محافل حقوق بشری است. در حاکمیت کرزی شوربختانه نه تنها نقض حقوق بشر بلکه پدیده های منفی و ویران کننده دیگری سر برافراشت و تار و پود جامعه را به نابودی میکشاند. بلی! نبود حاکمیت قانون، حکومت ناتوان، افزایش تلفات غیرنظامیان و دست داشتن شماری از مقامات حکومت با فساد، خشونت در برابر زنان، بی تفاوتی نهادهای عدلی و قضایی و شکنجه زندانیان، از عواملی است که وضعیت حقوق بشر را در کشور به شدت نگران کننده ساخته است. درینجا جسته و گریخته مروری داریم درین موارد.

برادران تفنگدار، بی برادرم کردند اسیر فاجعه های مکررم کردند

دست و پام را ببستند و آنگاه

برای سنگ زدن کبوترم کردند

چهار سوی جهان را به من بستند

بعد چون شکوفه پرپر م کردند
مزدورانه تسلیم گرگ ها دادند
به چور و چپاول برهنه ترم کردند
با تیر و تیر زخمی زدند و خندیدند
خون آلوده تر همه پیکرم کردند.



اعتماد مردم بزرگترین سرمایه و ماندگارترین تحفه ی است که نصیب وطنپرستان ملی و سیاستمداران مردمی میگردد و این سرمایه بی بدیل به تدریج در گذر زمان و به سختی و با تلاش صادقانه به دست می آید. روزها و ماهها و سالها می گذرد تا اعتماد مردم نسبت به یک شخصیت وطنخواه و میهن دوست انباشته می شود و هنر یک زمامدار این است که در مسیر فعالیتها با اصل قرار دادن صداقت و تلاش مردم مدارانه از اعتمادی که به تدریج به دست می آورد به خوبی حراست و حفاظت کنند و برای توسعه و گسترش آن بکوشند. خدمت مردم پسندانه و حس میهن دوستانه همراه با عملکرد صادقانه، می تواند آثار خوب و مثبتی بر حاصل کار داشته باشد و دستیابی یک شخصیت ملی را به اهدافش تسهیل کرده و تسریع ببخشد. تطابق نداشتن عملکردها و شعارها نه تنها موجب گسترش اعتماد عمومی نمی شود بلکه می تواند آثار منفی آن روز به روز لطمه های جبران ناپذیری را وارد سازد. لذا یکی از بزرگترین وظایف دولتمردان وطنپرست، پاسداری از اعتماد عمومی به روشهای مختلف است تا این سرمایه اجتماعی دستخوش آسیب و نابودی نشود. افغانستان کشوری که در آن پشتون- تاجیک- هزاره- ازبک- ترکمن- قزلباش- جوگی- طاهری- گواربای- براهوایی- گوجر- تیرابی- تایمنی- عرب- شیخ محمدی- مونجانی- موری- مغول- سیگ- زوری- قرغیز- یهودی- شیغنانی- اشکاشمی- جت- قیچاق- سنگلیچی- قارلیق- تیموری- پیکراغ - میش مست- روشانی- فارسی- فیروز

کوهی- پاراچی- قزاق- واخی- غوربت- جمشیدی- ایماق- وانگ والا- ملیکی- نورستانی- ارموری- بلوچ- جلالی- تاتار- کوتانا- هندو، زنده گی باهمی و همیاری و همکاری ملی داشتند و طی این چند سال نسبت خیانتها و روزگزرانی ها تا حدودی این همبستگی وطنی و ملی خدشه دار گردیده آینده امیدواریم با کاری وطنخواهانه زمامداران این همیاری ملی روندی اصلی اش را ببینیم. متأسفانه سالهای سال است که نسبت کرسی خواهی و قدرت طلبی، دزدی و چپاولگری، حزب و تنظیم بازی، دروغ و ریاکاری، فریب و نیرنگ، بیگانه طلبی و اجنبی پرستی، قوم و ملیت خواهی و کشتن بستن و بردن، برای اکثریت مردم سرنوشت گروههای مختلف سیاسی مهم نبوده و نیست چون بارها و بارها بر سر آبرو و عزت آنها با عناوین مختلف زیبا و فریبنده معامله صورت گرفته است. و مردم در مقاطع مختلف مظلوم و تنها قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زنده گی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنگ بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانیکه بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهی ها و قدرت طلبی های رجال سیاسی خویش را بپردازند. حکومت و کابینه فعلی افغانستان یکی از بیکاره و بی ارزش ترین اداره بعد از حاکمیت تنظیمی و طالبی است که با گذشت هر روز از ارزش ملی و از اعتماد جامعه نسبت به آن کاسته میشود.

فساد مالی، رشوت ستانی و بیکاری. خورد و برد کمک های خارجی به وسیله وزارتخانه ها و دیگر ارگانهای دولتی و کند بودن اعمار مجدد. سران و فرماندهان دیروزی در زیر چشم هزاران عسکر امریکایی و ناتو به تولید و تجارت بیسابقه ی هیروئین و چور و چپاول دارایی عامه و ثروت ملی مشغول بوده که وطن را مجدداً در صدر لیست کشور های تولید کننده هیروئین قرار داده اند. با وجود ادعاهای مبنی بر آزادی بیان، فریادها در گلو خفه می گردند و آنانی که جرئت ابراز نظرات غیرسازشکارانه شان را دارند با لت و کوب و تفنگ و تهدید روبرو می شوند. با وجود این که گاهگاهی بوی جنایات سران قدرت و اقارب و همدستان شان در مطبوعات جهانی نیز بالا می گیرد اما این ها بدون کوچکترین توجهی به این رسوایی و به چور و چپاول مردم ادامه می دهند.

بی توجهی، فساد و رشوت ستانی، چپاولگری، مواد مخدر و فساد اداری کشور را درلبه پرتگاه قرار داده است، اوضاع کنونی و قحطی و گرسنگی و بیکاری بی سرنوشتی صدها هزار جوان و مردان خانواده را از قریه جات، ولسوالیها و حتا شهرها برای پیدا کردن لقمه ی نان ترک خانه و کاشانه می کنند، و در چنگال قاچاقبران بین المللی اسیر و صدها نفر آنان غرق دریا و یا در بند و زندان کشورهای مختلف گرفتار اند. کمتر نیروی جوان را در اطراف می توان یافت که هنوز باقی مانده باشند و پیدا کردن نان شب، به دغدغه اصلی مردم تبدیل شده است.

جنگ سالار اصطلاحی است که آمریکا در مورد آن دسته از فرماندهان محلی به کار می برد که از میل سلاح میخواهند زنده گی نمایند. هنگامی آمریکا تصمیم گرفت علیه طالبان وارد جنگ شود به تجهیز و تقویت آنها مبادرت ورزید. تفنگداران جنگ سالار بقا و نفع خویش را در ایجاد انارشیزم و برهم خوردگی وضع اجتماعی

دیده، از همین جهت پیوسته در صدد بی ثبات نگهداشتن اوضاع تلاش های مذبحانه مینماید و سود خویش را فقط و فقط در جنگ و تفنگ می بیند.

آنها به منظور اغوا و سرکوب مردم، در تمام عرصه ها دست به اقدامات خائنانه و ماجراجویانه میزنند. دولت پروسه بنام جمع آوری سلاح را روی دست گرفت که میلیون ها دالر را به باد فنا داد، ولی در ظاهر ارقامی ارایه می گردد که امید واری های کاذبی را به مردم م نوید میدهد.

افغانستان سرزمین دود و آتش با گذشت بیش از یک دهه با وجود موجودیت صد و پنجاه هزار نظامیان کشور های مختلف جنگ، فساد، بی عدالتی، زورگویی، بی بند و باری، مردم آزاری، چپاولگری، قوم ستیزی همچنان بیداد میکند. ملت با در نظر داشت میلیاردها دالر "کمک" "جامعه بین المللی" و پشتیبانی و حضور نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی "جامعه جهانی"، انتظارات بیشتر را داشتند و اما "دولت کرزی" و ائتلافیون تنظیمی و گروهی با کم کاری و روزگذرائی عملاً همه را نا امید و سرخورده نموده اند.

مشکلات زیادی وجود دارد و حتی بعضی مسایل نه تنها که کاهش نیافته بلکه بطور نگران کننده ی رو به افزایش بوده اند. دولت در امر مبارزه با مواد مخدر تا کنون موفق نبوده و کشت و قاچاق مواد مخدر همچنان رو به افزایش است. دولت گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر را نادیده گرفته و می خواهد که این گزارش مهم به فراموشی کامل سپرده شود. نیروهای سیاف، گلبدین و مسعود و ربانی هر کدام برای سرکوب طرف مقابل، از هیچ وسیله ای دریغ نمی کردند. کابل در ظرف چند روز به ویرانه ای شباهت پیدا نمود که همه آن را به شهرهای بمباران شده ای بعد از جنگ دوم جهانی تشبیه می نمودند. از آسمان و زمین، باران مرمی و راکت و هاوان می بارید. کابلیان در خون فرزنداناش غسل تعمید می دیدند. کابل به فرمان بادران پاکستانی و ذیرانی این تنظیم ها می سوخت و ذرهبان بی توجه به این همه خونریزی و چور و چپاول، همچنان سرگرم زد و خورد بودند، بیش از ۶۵۰۰۰ کابلی را کشتند، بر زنان و دختران و پسران تجاوز نمودند، گوش و بینی مردم را بریدند و بر فرق شان میخ کوبیدند، این همه خون ریخته شده و قتل و غارت و بی ناموسی، چرت رهبران تنظیم ها را خراب نکرد و زمانی که طالبان برای توبیخ شان به کابل هجوم آوردند، دو پا داشتند و دو پای دیگر قرض نموده و با چهار پا به پنجشیر فرار نمودند.

زمانی که دوباره با کمک ناتو، حمایت آمریکا و در پناه بی ۵۲ به کابل یورش آوردند، در پست های حساس و کلیدی دولت جابجا شدند و سالهای خون و جنایت را در خاطره های مردم زنده کردند و برای اینکه جنایت های شان را از اذهان مردم زدوده باشند، هشتم ثور را به عنوان جشن پیروزی جهاد نامگذاری نمودند و برای این کار همه ساله میلیون ها دالر را خرج مصارف جشن می نمایند و با چشمان کلوخی و وجدان های یخزده به نظاره ویرانی هایی می نشینند که خود عامل آن بوده اند. رهبران تنظیم های هشت ثوری چنان بی چشم و حقیر اند که برای رسیدن به پست و چوکی حاضر به هر نوع معامله و پستی اند.

جنایتکاران که در حدود شصت و پنج تا هشتاد هزار انسان بی گناه و بی دفاع را بخاک و خون کشانده و کابل زیبا را به ویرانه و شهر را به شهر ارواح تبدیل نمودند. اعطای رتبه های بزرگ نظامی به اشخاصی که از سواد اولی، از تعلیمات عسکری، از حداقل فهم سیاسی هیچگونه آگاهی ندارند. اعطای القاب، نشانها و مدالها به اشخاصی که جز خیانت و جنایت در حق مردم و کشور کارنامه دیگری با خود ندارند. تعیین و تفرری افراد بی سواد و کم سواد، قاتل و آدم کش، دزد و قاچاقچی، سلاحدار و جنگ سالار . . . در پست های مهم دولتی. متأسفانه در جمع معاونین و کابینه نه تنها نماینده واقعی ملت حضور ندارد بلکه پستهای معاونیت های ریاست جمهوری ادارات استخباراتی و چوکی های کلیدی را در وزارت دفاع بین یاران تنظیمی دیروز تقسیم میشود. ما دیدیم که رییس دوات در کابینه های خویش توجه زیادی به جنگ سالاران کرد. برخی می گویند که کرزی سال ها حکومت بر کشور اکنون دیگر فرصتی برای جلب اعتماد عمومی ندارد. به همین دلیل اکنون مردم منتظرند که ببینند عاقبت دولت با اینهمه تفنگ داران که در وزارتخانه های دفاع، داخله و ریاست عمومی امنیت ملی لمیده اند، به کجا کشانده خواهد شد.

درگیری و بی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه های بازسازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی ساله تخریب شده و مردم این کشور، برای قادر شدن به گذران زندگی آبرومندانه خویش، نیاز شدید به کار در راستای باز سازی دارند؛ امنیت و سرزنش سران روزگزاران دولت ضرورت شماره اول به حساب می آید.

در صورتیکه این مشکلات بطور عاجل مرفوع نگردد بسیار مشکل خواهد بود تا حرکت های لازم دیگر، در عرصه های باز سازی و احیای مجدد و قادر ساختن مردم به پیداواری ضروری، صورت بگیرد. این چوکی پرست که برای بیش از ده سال تمام، بر چوکی چسبیده و برای حفظ آن هزاران انسان بی گناه را کشته اند، اکنون از نا امنی و فساد اداری در افغانستان حرف می زند. در زمان حاکمیت ربانی و مسعود، کابل در آتش سوخت و دزدان مسلح مردم را به تماشای رقص بسمل نشانند، بر دختران پاکدامن تجاوز نمودند، چشمها را کشیدند و گوش و بینی بریدند. کرزی مطمئن باشد که تداوم حاکمیت جنگ سالاران ختم دولت وی خواهد بود. تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که از سپیده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و در دولت انتخابی به اوج خود رسیده است.

ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بی شمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خود کشی و خود سوزی زنان، تهدید فامیل ها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس نا امنی زنان در کار بیرون از خانه، افزایش زنان و بیوههایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و . . . هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروپ های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کل کشور هستند.

اگر سلاح جمع آوری شده باشد، پس این همه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، حرکت های اسلامی و . . . کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر يك دهها ميل سلاح در اختیار دارند. سرگروپ ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحکوت های خود را حفظ کرده اند. جنگسالاران قاتل با استخراج، قاچاق و فروش سنگهای قیمتی مانند لعل و لاجورد بدخشان و زمرد پجشیر و سایر احجار کریمه سال ها شد که بی شرمانه و خبیثانه به این دزدی خویش ادامه میدهند.

اینها با قاچاق لاجورد و زمرد به سرمایه هنگفت دست یافتند. اما از آنجایی که هنوز هم هزاران مشکل از فقر اقتصادی تا گرسنگی، تهیدستی، خشکسالی، آوارگی و مهاجرت های درونمرزی و بیرونمرزی موج فزاینده داشته و رنجهای بیکران مردم همچنان ادامه دارد، با تاسف مردم مجال آن را به این زودی نخواهند یافت تا قاچاقبران اموال عامه و مخصوصاً رهنزان و چپاولگران آثار قیمتی و معادن کشور را به استنطاق بکشند و از آنها حساب بگیرند. از یکطرف با سوء استفاده از شرایط جنگ و دشواری های جاری مملکت و از سوی دیگر با استناد بر اینکه در افغانستان هنوز نیز دولت مرکزی و مسلط بر اوضاع سراسری وجود ندارد، آنها باز هم به همان اشتباهی سابقه دارایی عامه را مانند گذشته حیف و میل نموده و به حسابهای جاری و پس انداز در بانکهای شرق و غرب افزودند. تعدادی از مقامات بلند پایه کنونی نمایندگی فروش این سرمایه ملی را تا چند قبل در کشورهای غربی بعهده داشته و با استقرار دولت کرسی با دیده درایی و بی حیایی صاحب کرسی و مقام گردیدند. و هنوز که هنوز است اینها با فکر آرام به این وظیفه ننگین یعنی دزدی و قاچاق سرمایه ملی ادامه میدهند.

مردم مظلوم، خسته از جنگ و تاراج شده، می گویند که خانه های بزرگ با زرق و آسمان خراش های مجلل در پایتخت و ولایات نمونه انکار ناپذیر فساد اداری و چپاولگری ملی در دولت می باشد و قصرهای شاهانه و چند منزله با تزیینات خیره کننده در کشور بنام قصرهای چور و چپاول یاد می شوند و به نظر مردم کسانی مالک این قصرها اند که در جنایات و فساد اداری دست دارند. اکثریت این خانه ها در شیرپور اعمار شده اند، که مردم آن را شیر چور و چور پور مسما نموده اند. غصب زمین ها و اعمار خانه های مجلل و بلند منزل ها به گفته مردم، تیشه طالبان را دسته می دهد و آنها مردم را تشویق می کنند که از چنین یک حکومت فاسد متنفر باشند. ثروتمند شدن تعداد فساد پیشه و چپاولگر از یکجانب و حاکمیت شرکت های امنیتی و انجوهای داخلی و خارجی شرایط را برای مردم ناممکن ساخته است، داشتن خانه شخصی برای مردم امکان پذیر نیست، زیرا نرخ خانه ها بیش از حد بلند رفته است.

باوجود همه این فساد و خیانت و نظر به شکایات و ارثین قربانیان جنگی، راپور های بیشمار و مکرر کمیته حقوق بشر که خاطر نشان مینماید، جنایتکاران جنگی و تفنگسالاران و آنانی که طی سالیان دراز با قدرت تفنگ از هیچ نوع زورگویی و ظلم و مردم آزاری چور و چپاول و حتی کشتار ملت ابا نورزیده اند در پستهای دولتی لمیده و در قدرت شریک اند. اینان با قتل عام مردم مظلوم، راکتباران شهر کابل و ولایات، محاصره اقتصادی شهرها، راه

گیری، بی عفتی و تجاوز به ناموس مردم، فروش هزاران خانم بیوه و بی پناه به اعراب برای پول و ثروت، تخریب شهر زیبای کابل و شهادت مظلومانه شصت و پنج تا هشتاد هزار اهالی بی دفاع این شهر، میخ کو بیدن ها، سینه بریدن ها، در کانتینر سوختاندن ها، تیزاب پاشی ها، چهار میخ کشیدن ها، رقص مرده و لواطت اطفال معصوم مظلوم و صدها جنایات دیگر، دولت باید برای تامین عدالت اجتماعی هر يك از جنایتکاران را بخاطر خیانت ها و جنایاتی که انجام داده اند، مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار میداده و برعکس با پیشکش نمودن پول و قدرت، سرنوشت مردم مصیبت دیده را به چنگال خون آلوده آنان سپرده است.



سازمان نظارت بر حقوق بشر گزارش ۱۳۳ صفحه‌ی را تحت عنوان «دستان خون آلود- فجایع گذشته در کابل و میراث بیعدالتی» طی و مصاحبه با بیشتر از ۱۵۰ نفر شاهد عینی و یا مطلع از حوادث ترتیب داده است. این گزارش نه تنها افرادی را بعنوان متهمین جنایات جنگی ذکر کرده، چند پیشنهاد ارزنده ای برای دولت کرزی نیز ارائه نموده است. گزارش، تخطی های این دوره را نتیجه اجتناب ناپذیر جنگها و اشتباهات ندانسته، بلکه بیشتر نتیجه اعمال غیر قانونی و چشم پوشی عمدی رهبران و فرماندهان گروه ها میداند. این سازمان ضمناً از دولت افغانستان خواسته تا با اصلاح سیستم قضایی خود و تاسیس يك محکمه اختصاصی از قضات بین المللی و افغانی، از تلاش هایی که جهت محاکمه جنایتکاران گذشته بعمل میاید حمایت کند زیرا بقول آنان اگر عاملین جنایات گذشته مجازات نشوند احتمال زیاد میرود که مرتکب جنایات دیگری شوند. این سازمان همچنان از دولت تقاضا دارد تا ساختاری را جهت بررسی برکناری متهمین حقوق بشر از مقامات دولتی روی دست گیرد زیرا امروز تمامی متهمین جنایات جنگی تحت نام آشتی ملی کاملاً مصون از مجازات بسر می برند. عکس العمل دولت کرزی به این گزارش فقط این بود که آن را ناقص خواند که گویا جنایات تمام دوره ها را در بر نمی گیرد.

همچنان بهانه های چون امنیت و ثبات و آشتی ملی و مشارکت ملی از جمله شگرد های عوامفریبانه ای است که بی میلی کامل دولت را برای به محاکمه کشاندن جنایتکاران نشان میدهد. بفرض اگر دولت کرزی بخاطر برد تبلیغاتی خود در برابر حریفان و ترساندن جنگسالاران، که گویا نزد مردم و جهان دوسیه دارند تا پا از گلیم خود دراز نکنند، این گزارش را جدی بگیرد، نه مردم به آن باور می کنند چون این دولت را در وعده هایش، در عزل

و نصب کابینه و والیان بطور کامل آزمایش کردند، و نه هم جنگسالاران برای خود تشویش راه میدهند چون آنان هم دست خود را در دهان دولت کرزی به دقت گشته‌اند و فهمیده‌اند که این دولت در دهان خود چیزی بنام دندان ندارد تا جنگسالاران را محکم گیرد و طی بیشتر این سالها دولت را چنان مرعوب ساخته که کوچکترین حرکتی در برابر آنان کرده نمی‌تواند.

پس قدر مسلم اینست که دوسیه متهمین جنگی سالهای سال در بایگانی دولت و کمیسیون مستقل حقوق بشر حفظ خواهد شد تا خاک بخورد. برخورد منفعل کرزی در مورد جنایتکاران جنگی سبب خواهد شد که نامش بعنوان مدافع سرسخت جنایتکاران جنگی در ذهن مردم و حافظه تاریخ با حروف برجسته نقش گردد.

اکثر جنگسالاران سه دهه اخیر که صدها هزار افغان را به کام مرگ فرستاده‌اند، هنوز شانه به شانه رییس جمهور ظاهر می‌شوند و آنگونه که سازمانهای تحقیقی آمریکا اعلام کرده، این جنگسالاران یکجا با طالبان و رهبران قبیله‌ای بیش از هفتاد در صد قلمروی افغانستان را در اختیار خویش دارند. حاکمیت قانون هم فقط در شکل چیزی بیش نیست. . . و هزاران هموطن غیر نظامی ما طی این سالها قربانی نا امنی شده‌اند، و صدها خانواده را گلوله‌های نیروهای خارجی که به اصطلاح برای تامین امنیت ما آمده‌اند، به خاک و خون نشانده‌اند.

گویی این مردم ستم دیده باید همیشه با کشتن، بستن، بردن و نابود شدن زنده گی نمایند. با رفتن طالبان فقط چهره عوض شد. برنامه کار روزانه، سیاست های محلی، اندیشه بنیاد گرایی، جنگ و تفنگ، بردن و کشتن، قنذاق کاری، به زندان انداختن همان بود که در زمان طالبان جریان داشت، ولی با دو تفاوت، یکی اینکه این زندانی ساختن و بردن و تسلیم دادن بی گناهان به خارجیان و در زندان های بیگانه ها صورت گرفت و دوم تغییر دستار به پکول و کلاه پوست و چین بود. آمریکاییان با سیاست های دود منشانه خویش باز هم همان دزدان نوکر صفت که با دو پاسپورت افغانی و آمریکایی پکول پوشان فراری که شهر را به ویرانه و کابل را به غمخانه تبدیل نموده بودند بلای جان مردم گردانید. جاه طلبی رهبران فساد پیشه تنها اهرم مصیبت بار بود که استعمار می توانست درین راه از آن بهره برداری نماید. خیانت و خودخواهی اینها کشور را بصورت سرزمین ملک الطوایفی درآورده و در هر گوشه فرمانده، گروه؛ سردسته و گردنکشی برای خویش پوسته و پاتک و زندان و کشتارگاه ساخته از این طریق قدرت و حاکمیت خود را به نمایش گذاشتند. دیگر همه معتقد شده اند که کرزی در طی بیش از یک دهه حکومت، دیگر فرصت برای جلب اعتماد عمومی ندارد و باید بار و پندکش را بسته و راهی کشوری گردد که از آنجا به قندهار دیسانت گردیده بود و یا به پیشگاه مردم حساب این یک دهه را پس بدهد. کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پر شمار داخلی و خارجی وجود دارند نیز از گزند نا امنی ها، مصنئون نمانده و هر هفته مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می گیرند.

درگیری و بی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه های بازسازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی ساله تخریب شده و مردم، برای

قادر شدن به گذران زنده گی آبرومندانه خویش، نیاز شدید به بازسازی و اعمار مجدد دارند، امنیت و حسابدهی سران دولت، رهبران تنظیمها، و قوماندانان جهادی ضرورت مبرم به حساب می آید. منطقی و مطلوب است که برای ترویج و نهادینه ساختن حساب گیری از دوره مسئولیت کسانی که مسئول بوده و هستند، به صورت عاجل گام برداشته شود و نیز اقدامات مؤثر و حساب شده در دفاع و حفظ حقوق بشر و رسیده گی به جنایات سازمان یافته و پراکنده با حفظ مصالح و منافع آینده و فعلی کشور صورت بگیرد. بعد از سقوط طالبان و با ورود نیروهای آمریکا، تفنگ سالاران جان دوباره گرفته، یکبار دیگر شریک قدرت شدند. این تقصیر مهم، همچنان بر عهده نیروهای خارجی است، زیرا اگر برخی از همسایگان و کشورهای ذی دخل، این ها را کمک نمی کردند، امروز شاهد رشد و جان گرفتن دوباره این ها به نفع برخی از کشورهای خارجی و به ضرر مردم نبودیم. بنا بر این لازم است تا نیروهای اشغالگر آنگونه که ادعا میکنند بر ضد تروریسم میجنگند با تفنگ سالاران و چپاولگران، برخورد قاطعانه و جدی نمایند. تا بدین وسیله برای مردم ثابت شود که خارجی ها واقعا قصد بازسازی را دارند.

رئیس جمهور بارها به فساد زیاد در دستگاه حکومتی و اداری اش اعتراف کرد، ولی با صراحت اعلام کرد که دولتش برای بقا و اداره نسبی کشور ناچار است چشم خود را روی برخی فسادهای جاری در حکومت ببندد. کرسی در توجیه دیدگاهش میگوید- یکی از فرماندهان قدرتمند محلی به هیچ وجه حاضر نمی شد سلاح های خود را به دولت مرکزی تحویل دهد و عملا نا امنی های فراوانی را در نواحی تحت کنترل خود به وجود آورده بود. ما هیچ چاره ای در برابر آن فرمانده قدرتمند محلی نداشتیم، تصمیم به مذاکره با او گرفتیم و نتیجه مذاکره این شد که دولت مرکزی ماهانه سی هزار دالر به وی بپردازد و در عوض نیروهای مذکور از هرگونه ایجاد نا امنی پرهیز کنند. در واقع از این نوع فرماندهان متمرّد در نواحی مختلف کشور فراوان به چشم می خورند که دولت مرکزی چاره ای جز باج دهی به آنها ندارد و در غیر این صورت آنها به دشمن می پیوندند.

از دیگر شهکاری های اداره فعلی، چپاول و تاراج کابل بانک که رسانه های خارجی سرمایه گذاری و تاجران افغان را از ابعاد مختلف به بررسی گرفته اند و روزنامه فایننشیل تایمز به نقل از مسئولان اتحادیه تاجران افغانی در دوبی نوشته است که سالانه حدود ده میلیارد دالر توسط تاجران در دوبی و افغانستان رد و بدل می شود شماری آگاهان معتقداند که بیشتر این پول ها بجای اینکه در داخل کشور سرمایه گذاری شود از افغانستان خارج میگردد. روزنامه فایننشیل تایمز در مقاله ی نوشته است امروز دوبی به یک مرکز تجمع ثروتمندان افغانستان تبدیل شده است. سرمایه داران افغان در بزرگترین شرکت های ساختمانی و تجارت ملکیت در دوبی سرمایه گذاری کرده اند. و بزرگترین سرمایه گذاری در تجارت ملکیت در دوبی متعلق به شیرخان فرنود رئیس کابل بانک است که بالغ بر دوصد میلیون دالر میشود، برخی از تحلیل گران معتقد اند مقدار پول های که از افغانستان به دوبی آمده احتمال دارد یک مقدار پول های قانونی باشد، اما مقداری هنگفت دیگری این پول منابع آنها نامعلوم نیست. این روزنامه در ادامه نوشته است در ماه مبارک رمضان هر شام در رستوران نو تاسیس «شایسته» در دوبی شمار زیاد افغانها

برای روزه افطار جمع می‌شند و درگرد میز افطار رستوران‌ت شایسته در دوبی که هر نوع غذای افغانی افطار می‌کردند که این رستوران‌ت به خانواده صافی تعلق دارد که شرکت هوایی صافی نیز از آن‌ها می‌باشد. شرکت برادران صافی که متعلق به پسران صوفی قدوس هراتی می‌باشد و زمانی قراردادی طالبان در غرب افغانستان بودند. ظرف دو دهه اخیر از لحاظ مادی رشد چند صد برابر و بی‌سابقه نموده حالا مالک هتل صافی لند مارک و بزنس سنتر در کابل، مالک خطوط هوایی صافی و بزرگترین وارد کننده آهن آلات و روغن کم کیفیت شایسته در افغانستان می‌باشد.

این روزنامه همچنان نوشته است که یک تعداد دیگر این تجار کسانی هستند که در کابل بانک سهم داشتند. یکی از آن‌ها برادر رییس جمهور کرزی محمود کرزی است. او می‌گوید با به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان هرکسی که پول داشت کشور را ترک کرد که شمار زیاد آن‌ها به دوبی نقل مکان کردند. به گفته او فضای تجارت در دوبی با سهولت‌ها همراه می‌باشد. او می‌افزاید در آن وقت تجارت در افغانستان در حال رکود قرار داشت و تاجران راه دیگر نداشتند بجز از این که به امریکا و اروپا و یا دوبی بروند. این روزنامه خانواده ثروتمندی دیگر را نیز معرفی کرده افزودده است. یک خانواده ثروتمند دیگر که در تجارت‌های مختلف در دوبی دست دارد خانواده عزیز می‌باشد که شرکت آن‌ها بنام «عزیزی انویست منت» تحت ریاست میرویس عزیز می‌باشد. بزرگترین شرکت ساختمانی بنام نخیل جبل علی که جزایر خود ساخت در بحر بوده و قیمت‌ترین منطقه دوبی به شمار می‌رود، سرمایه‌گذاری کرده است. اما شرکت نخیل به خاطر رکود اقتصادی در دوبی با مشکلات روبروست. شرکت تجارته عزیز هوتک که مالک عزیز می‌باشد در واردات نفت به افغانستان سهم عمده دارد. با این وجود به باور شماری از کارشناسان اقتصادی، دوبی به مرکز دیگر تجارته افغان‌ها تبدیل شده است در همین حال مدیر انستیتوت تحقیقاتی شرق نزدیک و خلیج، تیودور کاراسیک می‌گوید. نزدیک‌ترین سیستم بانک داری فعال و ساده برای افغانستان در دوبی می‌باشد. پول که به این جا می‌آید، می‌تواند قانونی باشد اما یک مقدار آن از درک قاچاق مواد مخدر، رشوت و اخاذی بدست آمده است. به نوشته این روزنامه یک تعداد از تاجران افغان که جای پای خود را در دوبی مستحکم کرده اند، اکنون می‌خواهند که تجارت‌های خود را دوباره در افغانستان نیز احیا کنند و یک مقدار پول‌ها را به کشور انتقال بدهند، اما فساد اداری و رشوت‌ستانی آن‌ها را مایوس می‌سازد. از سوی دیگر با داخل شدن به افغانستان پای آن‌ها در یک ماجرا و یک نزاع سیاسی کشانیده می‌شود. شماری از تجار تاکید دارند که از پرداخت رشوت خسته شده اند و این پول دیگر بخشش به شمار نمی‌رود، بلکه یک اقدام تحریک آمیز و تهدید آمیز برای تاجران می‌باشد.

بر بنیاد یک نظر سنجی انجام شده از سوی اداره مبارزه با فساد و جرایم سازمان ملل متحد، نزدیک به شصت در صد مردم افغانستان می‌گویند که در زندگی روزمره خود با فساد دولتی دست به گریبانند، و این در حالی است که پنجاه و چهار در صد آنان به مشکلات امنیتی و پنجاه دو در صد بر معضل بیکاری تأکید می‌کنند. رییس اداره مبارزه با فساد و جرایم ملل متحد، می‌گوید که به گفته شرکت کنندگان در این نظر سنجی، غیر ممکن است که

مردم بدون پرداخت رشوت از خدمات دولتی برخوردار شوند، و این امر نه صرفاً یک تصور عمومی بلکه امری بوده است که افراد آن را تجربه کرده اند. این سند بر اساس مصاحبه با ۷۶۰۰ نفر در ۱۲ شهر و ۱۶۰۰ قریه و علاقه‌مندی در سراسر کشور، از سوی اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد تهیه شده است.

از هر دو تبعه کشور، یک نفر آن رشوت داده است که در بیشتر موارد از آنان به صراحت درخواست پول شده است. تهیه کنندگان این گزارش می‌گویند که متوسط پرداخت رشوت در وطن، سالانه به ۱۶۰ دالر می‌رسد. بر اساس گزارشها عاید سرانه ناخالص ملی در افغانستان، ۴۲۵ دالر است. در طی یکسال، افغانها دو و نیم میلیارد دالر رشوت داده اند که این مقدار پول تقریباً معادل بیست و سه در صد عاید ناخالص ملی است.

و همچنان بیشتر مجریان قانون، (خود از) بزرگترین ناقضان قانونند. حدود بیست و پنج در صد مصاحبه شونده گان در این نظر سنجی گفته اند که حد اقل یکبار به پولیس و مقامات محلی و ده در صد دیگر به بخش های قضایی در دولت رشوه پرداخته اند. نتایج این گزارش نشان می‌دهد که پول، ساختار قدرت های سنتی در افغانستان را به فساد آلوده می‌سازد. رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد می‌گوید که عدم اعتماد بر نهاد های دولتی در ارائه خدمات باعث شده تا مردم به جهات دیگر از جمله عناصر ضد دولتی رو بیاورند.

تهدید وجود فساد در کشور را به سرطان تشبیه کرده و گفته است که برای جلوگیری از چنین وضعیتی و پیش از آن که به بیماری علاج ناپذیری بدل شود، باید کرسی، دست به اتخاذ تدابیر قاطع بر اساس کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل متحد بزند.

کرزی موجودیت مشکلات در نهاد های عدلی و قضایی می‌گوید- که مردم از این ناحیه بیشتر رنج می‌برند. اطمینان مردم بر این نهاد ها باعث شده است که آنان هنوز هم به منظور حل و فصل دعوای شان به سیستم عنعنوی رو آورند.

دلیل که هنوز هم مردم در دهات و شهر های کشور به روش های عنعنوی و رسوم اجتماعی برای به دست آوردن عدالت و حل و فصل قضایا مراجعه می‌کنند این است که نه حکومت توان فراهم آوری آن عدالت را دارد و نه هم رسیده گی به موقع می‌شود.

همچنان وری فدوتوف، رئیس دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد در مصاحبه اش با رویترز می‌گوید تولید تریاک نسبت به سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است. افغانستان بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان است که هر روزه از آن ساخته می‌شود و به تامین مالی طالبان کمک می‌کند. وضعیت در حال بدتر شدن است، این موضوع آشکار و بسیار نا امید کننده است. هنگامی که نیروهای خارجی در پایان سال ۲۰۱۴ این کشور را ترک کنند، در نبود پول و نیروهای هوایی آنها، دولت افغانستان نیاز به کمک بیشتری برای مبارزه با کشت خشکاش خواهد داشت. مواد مخدر هزینه نیروهای شورشی را فراهم می‌آورند و پایداری منطقه ای و سلامت مردم در افغانستان را که بالا ترین میزان اعتیاد در جهان را دارد، تهدید می‌کنند.

افغانستان همچنین زمینه مساعدی برای فساد و سایر اشکال جرائم سازمان یافته فراملی دارد. این چالشی چند وجهی است و لازم است که ما با آن به عنوان مشکلی جدی برخورد کنیم. در غیر این صورت بدون حمایت بین‌المللی، بدون کمک‌های قابل توجه بیشتر، این خطر وجود دارد که این کشور در ادامه این روند به یک دولت مواد مخدر (narco-state) تمام عیار بدل شود.

پس از گذشت تقریباً دوازده سال از تهاجم نیروهای به سرکردگی آمریکا به افغانستان بخش‌های گسترده‌ای از این کشور تحت کنترل طالبان است و نیروهای داخلی هنوز در نواحی دور افتاده به شدت به حمایت نیروهای خارجی وابسته است. ناتو قصد دارد پس از ۲۰۱۴ فقط نقش آموزشی و مشورتی در افغانستان داشته باشد، اما آمریکا و متحدانش هنوز درباره شمار دقیق نیروهای که در این کشور باقی خواهند ماند، اظهار نظر نکرده‌اند. اراده سیاسی برای مقابله با مشکل مواد مخدر در افغانستان وجود دارد، اما شمار فزاینده حملات و دستگیری‌ها و تلاش‌ها برای ریشه‌کنی مواد مخدر تا به حال نتوانسته است جلوی این موج در حال گسترش را بگیرد. خارجی‌ها نتوانستند اقتصاد جایگزینی در افغانستان ایجاد کنند با وجود همه تلاش‌ها، حرکت در مسیر جایگزینی تجارت مواد غیرقانونی با کالاهای قانونی سخت است.

www.esalat.org